

نقض حق بر آموزش مردم غزه در نتیجه اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی

محمد حسن پور*

حسین آئینه‌نگینی**

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

حق بر آموزش از جمله حقوق اساسی افراد است که نه تنها حقی مستقل شمرده می‌شود، بلکه زمینه بهره‌مندی افراد از برخی حقوق بنیادین دیگر را نیز فراهم می‌کند یا افراد را در شرایط بهتری برای استفاده از سایر حقوق قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت این حق، بسیاری از اسناد بین‌المللی اعم از اسناد عام و خاص (موضوعی و قلمرویی) ضمن شناسایی این حق، دولت‌ها را مکلف کرده‌اند تا امکانات لازم را برای تحقق این حق در خصوص همه افراد جامعه فراهم کنند و موانع پیش روی استفاده افراد از این حق را نیز برطرف سازند. این مقاله به بررسی ابعاد نقض حق یادشده در حملات رژیم صهیونیستی به غزه پرداخته است. بررسی حملات خصمانه این رژیم به فلسطین (غزه) مبین این نکته است که این حملات به‌صراحت، حق بر آموزش مردم غزه را برخلاف همه اسناد بین‌المللی نقض کرده است. نقض این حق در حملات رژیم صهیونیستی واجد ابعاد متعدد و گسترده‌ای اعم از آسیب به آموزش‌گیرندگان، آسیب به دولت و والدین (ارکان پشتیبان حق) و آسیب به ساختارها و مراجع آموزش‌دهنده (مدارس، دانشگاه‌ها، معلمان، اساتید و...) است. نظر به نقض نظام‌مند و گسترده حق مزبور در غزه، نهادهای بین‌المللی باید در این زمینه اقدامات متناسبی را به انجام رسانند. یادآوری می‌شود، نقض حق بر آموزش برخلاف نقض برخی دیگر از حقوق، می‌تواند آینده و سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را به‌جد تحت‌الشعاع قرار دهد و از این منظر نیز شایسته توجه ویژه نهادها و مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی است.

واژگان کلیدی

حق بر آموزش، فلسطین، غزه، حملات رژیم صهیونیستی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام‌حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. mo.hasanpour@ut.ac.ir

** عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). h.negini@modares.ac.ir

Violation of the right to education of the people of Gaza as a result of the hostile actions of the Zionist regime

Mohammad Hasanpour*

Hossein Ayene Negini**

Abstract

The right to education is one of the basic rights of people, which is considered not only an independent right, but also provides the basis for people to benefit from some other fundamental rights or puts people in better conditions to use other rights. Due to the importance of this right, many international documents, both general and specific (thematic and territorial) documents, while recognizing this right, have obliged the governments to provide the necessary facilities for the realization of this right for all members of the society and the obstacles facing Eliminate the use of this right by people. This article examines the dimensions of the violation of the mentioned right in the attacks of the Zionist regime on Gaza. Examining the hostile attacks of this regime on Palestine (Gaza) shows that these attacks have clearly violated the right to education of the people of Gaza, contrary to all international documents. Violation of this right in the attacks of the Zionist regime has multiple and extensive dimensions, including damage to students, damage to the government and parents (supporting bodies of the right), and damage to educational structures and authorities (schools, universities, teachers, professors, etc.). Considering the widespread and systematic violation of the aforementioned right in Gaza, international organizations should take appropriate measures in this regard. It is reminded that the violation of the right to education, unlike the violation of some other rights, can seriously overshadow the political, economic, social and cultural future and fate of a country, and from this point of view, it deserves the special attention of competent international institutions and authorities.

Keywords

right to education, Palestine, Gaza, Zionist attacks, International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

* Faculty member of Imam Hossein University, Tehran, Iran.

mo.hasanpour@ut.ac.ir

** Member of Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author).

h.negini@modares.ac.ir

مقدمه

حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر از منظر محتوایی به حقوقی اطلاق می‌شود که قوام و بنیاد انسانیت و انسان بر آن استوار است و اساساً بشر با وجود چنین حقوقی معنا و مفهوم می‌یابد. برخی از این دسته حقوق نه تنها خود از جایگاه و اهمیتی ویژه برخوردارند، بلکه زمینه تحقق و اجرای سایر حقوق را نیز فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، اقتضای برخورداری و استفاده بشر از سایر حقوق بنیادین و اساسی شمرده می‌شوند. حق بر آموزش و سواد از جمله این دسته حقوق است.

حق بر آموزش که فراگیری معلومات از طریق آموزش دوران تحصیلی ابتدایی، تحصیلات عالی دانشگاهی و اخذ تخصص فنی و حرفه‌ای را شامل می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۱)، از جمله مهم‌ترین حقوق فرهنگی فردی به شمار می‌آید که بخش وسیعی از شکوفایی شخصیت و مدنیت انسان‌ها در گرو تحقق و اجرای این حق بنیادین است. این حق که دارای مبنای فطری، عقلی، طبیعی، الهی و تکوینی است (پروین، ۱۳۹۶: ۳۴۳) از چنان اهمیتی برخوردار بوده که در قوانین اساسی برخی کشورها در عرض حق بر خوراک، پوشاک و مسکن (حقوق بنیادین و مرتبط با حق حیات) شمرده شده است. به یقین عدم تحقق و اجرای این حق زمینه عدم برخورداری افراد از بسیاری از حقوق اجتماعی از جمله دسترسی به اطلاعات، آزادی اندیشه، آزادی بیان و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در برخی موارد زمینه سوءاستفاده اشخاص و گروه‌ها را از افراد فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، حق بر آموزش نمونه کاملی از ارتباطات متقابل و تأثیرات حقوق بنیادین بر یکدیگر را ارائه می‌دهد؛ زیرا این حقی است که زمینه‌ساز تحقق طیف وسیعی از حقوق بشر از جمله حق کار، مشارکت در زندگی فرهنگی و... است (حسنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱) و این حق یک الزام اساسی برای کاهش فقر و ترویج و توسعه امنیت و بهداشت در جهان دانسته شده است (کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۸۸: ۲۷۰). بر همین اساس، همچنان که در این مقاله بحث خواهد شد، این حق در قاطبه اسناد مهم بین‌المللی اعم از اسناد عام و منطقه‌ای و نیز قوانین اساسی کشورها ملحوظ شده و تحقق و اجرای آن مورد تأکید قرار گرفته است.

در حملات خصمانه و غیرانسانی رژیم صهیونیستی به مردم مظلوم فلسطین (به‌خصوص نوار غزه) در کنار نقض حقوق بنیادینی مانند حق حیات، حق دسترسی به خوراک، حق دسترسی به مسکن، حق بر آب آشامیدنی سالم، حق بر بهداشت، حق بر سلامت و... از جمله حقوقی که مورد تعرض قرار گرفته است و رسیدگی به آن توجه ویژه نهادهای مسئول بین‌المللی را می‌طلبد، حق بر آموزش است. توجه به نقض این حق بنیادین بشری از این‌رو از اهمیت مضاعفی برخوردار است که آثار مخرب آن برخلاف برخی حقوق که به شکل دفعتاً و آنی ظهور و بروز پیدا می‌کند،

آینده یک سرزمین، کشور و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فارغ از آثار کوتاه‌مدت آن سرنوشت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... این ملت مظلوم و مقتدر را تحت الشعاع قرار خواهد داد. به عبارت دیگر، از منظر حقوقی نقض این حق دارای آثار استمراری است و جبران آن در کوتاه‌مدت بدو امکان‌پذیر نیست و در بلندمدت نیز با صعوبت و هزینه‌های گزاف همراه خواهد بود.

نظر به مراتب معنونه، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که نقض حق بر آموزش در حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه واجد چه ابعاد حقوقی بین‌المللی است؟ از منظر سابقه پژوهش اگرچه در چند ماه اخیر متون و مقالاتی در خصوص نقض حقوق بنیادین بشر در حملات رژیم صهیونیستی به غزه نگاشته و منتشر شده است، اما به طور خاص نقض حق بر آموزش و تحلیل ابعاد حقوقی آن به صورت متمرکز صورت نپذیرفته است. به منظور پاسخ به پرسش مزبور در این مقاله ابتدا به تبیین حق بر آموزش در ادیان الهی پرداخته می‌شود (بند اول). سپس، حق بر آموزش و ابعاد آن در اسناد و متون حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد (بند دوم). در ادامه، ضمن تبیین مهم‌ترین مصادیق نقض فاحش این حق (بند سوم)، تکالیف و وظایف سازمان‌های بین‌المللی در قبال نقض این حق تحلیل می‌شود (بند چهارم).

۱- حق بر آموزش در اسناد حقوق بین‌الملل

اسناد بین‌المللی حقوق بشری را بر مبنای گستره شمول آن‌ها و پوشش حمایتی نسبت به حقوق تمام انسان‌ها می‌توان به اسناد بین‌المللی حقوق بشری عام و اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص تقسیم کرد. اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری آن دسته از اسناد هستند که گروه‌های خاصی را مدنظر ندارند و به حقوق همه انسان‌ها صرف‌نظر از تعلقات عرضی مانند جنسیت، مذهب، تابعیت و... می‌پردازند مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). در مقابل این دسته از اسناد، اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص قرار دارند که گروه‌های خاصی را مورد پوشش حمایتی خود قرار می‌دهند. این اسناد در گروه‌های متنوعی قابل طبقه‌بندی هستند؛ زنان، پناهندگان، کودکان، مردمان بومی، اقلیت‌ها، معلولان، کارگران مهاجر، زندانیان و... از جمله گروه‌هایی هستند که موضوع این دسته از اسناد حقوق بشری قرار می‌گیرند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۱۹۰-۱۹۱). نظر به اینکه حق بر آموزش در هر دو گروه اسناد مزبور مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، از این رو در ادامه این موضوع در دو قسمت بررسی می‌شود.

۱-۱- حق بر آموزش در اسناد عام بین‌المللی

با توجه به اهمیت حق بر آموزش، این حق در بسیاری از اسناد عام حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار

گرفته است. ازجمله مهم‌ترین این اسناد می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد که به شرح زیر به این حق اجتماعی و فرهنگی بشری تأکید کرده است.

۱-۱-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

همچنان‌که در مقدمه اعلامیه بیان شده است احکام و قواعد مندرج در این سند بین‌المللی «به‌عنوان یک استاندارد مشترک و دستاورد تمام کشورها محسوب می‌شود تا هر انسان و هر عضو جامعه با فراگیری مفاد و احکام این «اعلامیه»، در راه یادگیری و آموزش آن در جهت ارتقای حرمت برای چنین حقوق و آزادی‌هایی بکوشد و برای اقدام‌های پیش‌برنده در سطح ملی و بین‌المللی تلاش کند تا بازشناسی مؤثر و دیده‌بانی جهانی [این حقوق] را چه در میان مردمان «کشورهای عضو» و چه در میان مردمان قلمروهای زیر فرمان آن‌ها [تحصیل و] تأمین کند».

براین اساس، همه احکام و مفاد این اعلامیه، سندی معیار در تحقق حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر شمرده می‌شود که مردم جهان فارغ از سطح توسعه‌یافتگی، رنگ، نژاد، دین و... باید از آن برخوردار باشند و هیچ دولت و کشوری نمی‌تواند حقوق مندرج در این اعلامیه را نسبت به کشور یا گروه خاصی نقض کند.

ماده ۲۶ این اعلامیه در خصوص حق بر سواد معین کرده است که «آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش باید دست‌کم در دوره‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز باید قابل دسترس برای همه مردم باشد و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمام افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

آموزش و پرورش باید در جهت رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم و دوستی میان تمام ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند».

مبتهی بر ماده یادشده، برای دولت‌ها در خصوص حق بر آموزش دو دسته تکلیف (ایجابی و سلبی) قائل شده‌اند. تکلیف ایجابی دولت‌ها در خصوص حق بر سواد عبارت است از اینکه دولت‌ها ضمن اینکه آموزش و پرورش را به‌صورت حقی همگانی به رسمیت می‌شناسند، باید در اجرا و تحقق این اصل بدون توجه به رنگ، نژاد و زبان، امکانات لازم را برای برخورداری همه اشخاص فراهم کنند. افزون‌براین مستند، به مفهوم حکم مزبور دولت‌ها در بعد سلبی مکلف‌اند از هرگونه اقدامی ناقض یا تحدیدکننده تحقق حق بر آموزش خودداری کنند. به‌عبارت دیگر،

هرگونه اقدام دولت‌ها که برای آموزش افراد مانع ایجاد کند به صراحت نقض ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر شمرده می‌شود.

۲-۱-۱- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی

همچنان‌که در مقدمه میثاق مقرر شده است کمال مطلوب انسان و آزادی و رهایی وی از ترس و فقر تنها در صورتی حاصل می‌شود که شرایط بهره‌مندی هر فرد از حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی محقق شود. به عبارت دیگر، یکی از اقتضائات مهم در تحقق کمال مطلوب بشر، اجرا و تضمین بهره‌مندی افراد از حقوق اجتماعی است. مستند به ماده ۱۳ این سند حق بر آموزش ازجمله این دسته حقوق شمرده شده است. ماده مزبور در خصوص حق بر آموزش مقرر کرده است که «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند». در ادامه این ماده نیز هدف از آموزش «نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» دانسته و مقرر شده است که آموزش «باید تمام افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد». این نکته نشان از اهمیت این حق و تأثیر آن بر آینده افراد و سطح مدنیت و توسعه جوامع متبوع آن‌ها دارد. فارغ از تأثیر شخصی و ملی حق بر آموزش ادامه این ماده به نقش فراملی آموزش اشاره و مقرر کرده است که آموزش باید «موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین تمام ملل و تمام گروه‌های نژادی-قومی یا مذهبی را فراهم آورد». نظر به اهمیت این موضوع، این ماده در ادامه، کشورهای طرف این میثاق را به امور زیر ملزم کرده است.

الف- آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب- آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن ازجمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به تمام وسایل مقتضی، به‌ویژه به‌وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

پ- آموزش و پرورش عالی باید به تمام وسایل مقتضی، به‌ویژه به‌وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هرکس در دسترس عموم قرار گیرد.

ت- آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آن را تکمیل نکرده باشند، تشویق و تشدید شود.

ث- توسعه شبکه مدارس در تمام مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطای بورس‌ها (هزینه تحصیلی) برقرار شود و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

توجه به مفاد حکم مزبور که در واقع تفسیر و تبیین حق بر آموزش مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است به‌درستی جایگاه و اهمیت حق بر آموزش را به حقی شخصی و البته دارای آثار عمیق اجتماعی (ملی و فراملی) مشخص کرده است.

۲-۱- حق بر آموزش در اسناد خاص بین‌المللی

چنان‌که بیان شد، آن دسته از اسناد حقوق بشری که تنها دول یا گروه خاصی از افراد بشر را شامل شود، تحت عنوان اسناد خاص بین‌المللی قرار می‌گیرند. براین اساس، این دسته از اسناد برخلاف اسناد عام بین‌المللی که شامل تمام دولت‌ها و افراد می‌شود، شامل تمام دولت‌های جهان نمی‌شود، بلکه تنها شامل دولت‌هایی می‌شود که در یک منطقه یا ناحیه مشخص از حیث جغرافیایی یا فرهنگی یا منطقه مشخص قرار دارند یا افراد خاصی را شامل می‌شوند. افزون‌بر اسناد عام حقوق بین‌المللی حق بر آموزش ازجمله حقوقی است که در اسناد خاص بین‌المللی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۱-۲-۱- اسناد خاص موضوعی

اسناد خاص حقوق بین‌الملل در یک تقسیم جزئی به دو دسته اسناد خاص موضوعی و خاص منطقه‌ای تقسیم می‌شود. اسناد خاص موضوعی آن دسته از اسناد بین‌المللی را شامل می‌شود که موضوع یا گروه‌های خاصی از جامعه بشری را فارغ از کشور، منطقه و قاره‌ای که در آن واقع شده‌اند، دربرمی‌گیرد. ازجمله مهم‌ترین این اسناد می‌توان به کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه جهانی حقوق کودک اشاره کرد که در این اسناد بر لزوم حق بر آموزش تأکید شده است.

حق بر آموزش محدود به گروه سنی خاصی نیست و همه گروه‌های سنی از این حق برخوردارند، اما نظر به چرخه حیات طبیعی انسان، این حق در خصوص بازه زمانی کودکی از اهمیت بیشتری برخوردار است. براین اساس، ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌کند که: «کشورهای عضو، حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق، به‌صورت تدریجی و بر پایه ایجاد فرصت‌های برابر، به‌ویژه اقدامات زیر را معمول خواهند داشت.

الف- اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه.

ب- تشویق، ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسطه ازجمله آموزش عمومی و حرفه‌ای، فراهم کردن و قرار دادن آن‌ها در دسترس همه کودکان و به عمل آوردن اقدامات مقتضی مانند ارائه آموزش رایگان و اعطای کمک‌های مالی در صورت نیاز.

پ- در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان بر اساس قابلیت و از هر طریق مناسب.

ت- فراهم کردن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای و قرار دادن آن‌ها در دسترس همه کودکان.

ث- به عمل آوردن اقداماتی برای تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل... .

کشورهای عضو، همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به آموزش به‌ویژه در راستای مشارکت در ریشه‌کن ساختن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روش‌های نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد. در این خصوص توجهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

مستند به حکم یادشده مانند دیگر اسناد بین‌المللی، در این سند نیز کشورها ملزم به فراهم کردن امکانات لازم برای آموزش افراد شده‌اند و همچنین ملزم‌اند موانع دسترسی به این حق را برطرف سازند. در اهمیت جایگاه این حق، توجه به اهداف حق بر سواد که در ماده ۲۹ این کنوانسیون مقرر شده، ضروری است. ماده ۲۹ یادشده هدف از آموزش را این‌گونه معرفی کرده است.

«الف- رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک تا حد امکان.

ب- افزایش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد.

پ- افزایش احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های کودک، ارزش‌های ملی کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند و موطن اصلی او و تمدن‌های متفاوت با تمدنی که او بدان تعلق دارد.

ت- آماده‌سازی کودک برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه تفاهم، صلح، مدارا، مساوات بین زن و مرد و دوستی میان همه مردمان، گروه‌های قومی، ملی و مذهبی و افرادی که منشأ بومی دارند.

ث- افزایش احترام به محیط‌زیست طبیعی».

از مفاد این ماده مشخص است که حق بر آموزش به‌عنوان حق فردی تعریف می‌شود، اما آثار اجتماعی ملی و فراملی مختلفی در پی دارد که نقض این حق می‌تواند برای کشور و حتی جامعه بین‌المللی چالش‌زا و مخرب باشد.

ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق کودک نیز در خصوص حق بر آموزش مقرر کرده است که:

«کودک باید از آموزش رایگان و اجباری، حداقل در مدارج ابتدائی بهره‌مند شود.

کودک باید از آموزشی بهره‌مند شود که در جهت پیشبرد و ازدیاد فرهنگ عمومی او بوده و

چنان سازنده باشد که در شرایط مساوی بتواند استعداد، قضاوت فردی، درک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خود را پرورش دهد و فردی مفید برای جامعه شود».

۲-۱-۲- اسناد خاص قلمرویی

در مقابل اسناد خاص موضوعی، اسناد خاص قلمرویی قرار دارند که مقصود از این دسته اسناد، اسنادی است که بر مناطق و قلمرو خاصی از جهان حاکم است. برای نمونه اسناد بین‌المللی که صرفاً مربوط به کشورهای اسلامی، اروپایی، آفریقایی یا... است. با توجه به اهمیت حق بر آموزش، این حق در اسناد خاص قلمرویی نیز بارها مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. ازجمله می‌توان به ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره) اشاره کرد که در این خصوص مقرر کرده است: «الف- طلب علم یک فریضه و آموزش یک امر واجب است. بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم سازد؛ به گونه‌ای که مصلحت جامعه را تأمین کند و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد. ب- حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و... که در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان کوشش می‌کنند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند؛ به گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود».

با توجه به جایگاه و اهمیت این حق در تعالیم اسلامی و ظهور و بروز آن در ماده یادشده، بند ج ماده ۱۷ این اعلامیه دولت‌ها را مکلف کرده است که حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را برآورده سازد و شامل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود، تضمین کند.

افزون بر اعلامیه حقوق بشر اسلامی، حق بر آموزش در اسناد قلمرویی دیگری مانند ماده ۳۱ اعلامیه حقوق بشر آس آن^۱، ماده ۲۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۲، ماده ۲ کنوانسیون اروپایی

۱- «هر شخص حق آموزش دارد. آموزش ابتدایی باید اجباری و رایگان در دسترس باشد. برای همه، آموزش‌های متوسطه به اشکال مختلف آن در دسترس باشد و از هر طریق مناسب برای همه قابل دسترسی باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای باید به‌طور کلی در دسترس باشد. آموزش بالاتر باید بر اساس شایستگی برای همه به یک اندازه در دسترس باشد. آموزش و پرورش باید به سمت توسعه کامل سوق داده شود...».

۲- «کشورهای عضو متعهد می‌شوند با اتخاذ تدابیر، هم در داخل و هم از طریق همکاری بین‌المللی، به‌ویژه آن‌هایی که ماهیت اقتصادی و فنی دارند... به تدریج، با قانون‌گذاری یا سایر ابزارهای مناسب، تحقق کامل حقوق مستتر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، علمی و فرهنگی... را فراهم آورند».

حقوق بشر^۱ و بند ۱ ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر^۲ نیز مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

۲- مهم‌ترین مصادیق نقض حق بر آموزش توسط رژیم صهیونیستی

در تحقق و اجرای حق بر سواد یا آموزش، ارکان مختلفی نقش دارند. در یک نگاه کلی ارکان این حق عبارت‌اند از فرد (آموزش‌گیرنده)، والدین و دولت (فراهم‌کننده شرایط و پشتیبان آموزش) و واحد آموزشی (ساختارها، معلمان، مدرسان دانشگاه و...) به‌عنوان طرف آموزش‌دهنده.

نظر به ارکان این حق، هرگونه عامل یا عواملی را که به‌گونه‌ای بر ارکان مزبور تأثیر گذارد و مانع انجام دقیق نقش آن‌ها در فرآیند آموزشی شود، می‌توان به‌عنوان نقض حق بر آموزش شناسایی کرد. مبتنی بر این نگاه، در ادامه در سه بند مهم‌ترین مصادیق نقض حق بر آموزش در نتیجه حملات خصمانه رژیم صهیونیستی به فلسطین (غزه) بیان می‌شود.

۱-۲- آسیب به آموزش‌گیرندگان و نقض حق بر آموزش

به‌یقین نخستین اقتضای تحقق صحیح حق بر آموزش، وجود فرد آموزش‌گیرنده‌ای است که از نظر جسمانی در سلامت، از نظر روانی در امنیت و از نظر برخورداری از حداقل حق بر زندگی تأمین باشد تا بتواند از این حق بنیادین خود استفاده و اهداف مندرج در اسناد بین‌المللی گفته‌شده را محقق کند. این در حالی است که در نتیجه حملات اخیر رژیم صهیونیستی مانند حملات مستمر سابق، تعداد زیادی از اشخاص آموزش‌گیرنده (دانشجویان و دانش‌آموزان) شهید یا زندانی شده یا با نقص جسمانی و روانی شدید مواجه شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تحقق این حق نسبت به این افراد منتفی شده است. چنین عملکردی از این رژیم نه تنها ناقض حق بر آموزش افراد است، بلکه در سرنوشت آتی فلسطین نیز آثار مخربی بر جا خواهد گذاشت.

آمار رسمی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ تعداد کودکان فلسطینی زندانی‌شده در زندان‌های اسرائیل را از آغاز سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰۰۰ نفر اعلام کرده است. اسرائیل افراد زیر ۱۶ سال را به‌عنوان کودک زندانی تعریف می‌کند درحالی‌که قوانین بین‌المللی ملاک کودک زندانی را ۱۸ سال قرار می‌دهد. از هر پنج کودک زندانی تنها دو نفر توان تحصیل دارند؛ آموزشی بسیار محدود

۱- «هیچ فردی نباید از حق تحصیل محروم بماند. در اجرای هرگونه وظایفی که در ارتباط با آموزش و تعلیم تلقی می‌شود، دولت باید به حق والدین به‌منظور تضمین چنین آموزش و تعلیمی که مطابق با اعتقادات مذهبی و فلسفی آنان است، احترام بگذارد».

۲- «هر فردی حق آموزش دارد».

که عموماً شامل آموزش عربی، عبری، انگلیسی و ریاضیات می‌شود. «به دلایل امنیتی» دانش‌آموزان اجازه ندارند آموزشی در زمینه جغرافیا و علوم مربوط به آن ببینند. این در حالی است که قوانین بین‌المللی، ازجمله بند ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر حق آموزش تأکید می‌کنند (Palumbo-Liu, 2015).

بر اساس نوشته روزنامه القدس العربی، دفتر اطلاع‌رسانی دولتی در نوار غزه اعلام کرد رژیم صهیونیستی طی این مدت ۲ هزار و ۳۲۵ جنایت در غزه مرتکب شده که به شهادت ۲۷ هزار و ۲۳۸ فلسطینی ازجمله ۱۲ هزار کودک، ۸ هزار و ۱۹۰ زن، ۳۳۹ تن از کادر پزشکی و درمانی، ۴۶ نفر از گروه‌های دفاع مدنی و ۱۲۲ خبرنگار منجر شده است (B2n.ir/e95300). وزارت آموزش و پرورش فلسطین در بیانیه‌ای اعلام کرد تعداد دانش‌آموزانی که در نوار غزه از زمان آغاز تجاوزات بعد ۷ اکتبر به شهادت رسیدند، به بیش از ۴۲۵۷ شهید رسیده است و ۷۷۷۷ تن نیز زخمی شدند و در کرانه باختری نیز ۳۹ دانش‌آموز به شهادت رسیده‌اند و ۲۸۲ تن دیگر زخمی شدند و ۸۵ تن نیز بازداشت شده‌اند (B2n.ir/b23857).

۲-۲- آسیب خانواده‌ها و دولت و نقض حق بر آموزش

در خصوص حق بر آموزش یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق این حق، دولت‌ها و والدین آموزش‌گیرندگان هستند. بر همین اساس، در اسناد بین‌المللی بحث‌شده در این مقاله نیز تکلیف به ارائه امکانات آموزشی بر عهده دولت و تکلیف به فرستادن کودکان به مدرسه و فراهم کردن زمینه آموزش برای آنان بر عهده والدین قرار گرفته است. همچنان‌که در بند اخیر ماده ۱ اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) مقرر شده است که نخستین وظیفه همه حکومت‌ها، حفاظت و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است (شایگان و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۷). بر این مبنا هر عاملی که دولت را از ارائه امکانات یادشده منع کند یا والدین و خانواده‌ها را به گونه‌ای تحت‌الشعاع قرار دهد که مانع فرستادن کودکان به مدرسه شوند، ناقض حق بر آموزش شمرده می‌شود. در حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه از سویی مسئولان دولتی فلسطین با توجه به تخریب‌ها و نیز فقدان امکانات اساسی (خوراک، پوشاک، انرژی، امکانات بهداشتی و...)، به طبع امکان ارائه امکانات آموزشی و پشتیبانی برای تحقق این حق را ندارند و از سوی دیگر، با توجه به تخریب منازل، شهادت و زندانی کردن والدین یا نقص جدی جسمانی و روانی آنان، خانواده‌های فلسطینی توان پشتیبانی آموزشی و فرستادن فرزندان خود را به مدرسه ندارند. از این منظر نیز اقدامات و حملات رژیم صهیونیستی به‌طور آشکار ناقض حق بر آموزش فلسطینیان شمرده می‌شود.

۳-۲- آسیب به واحدهای آموزشی و نقض حق بر آموزش

یکی از مهم‌ترین اقتضائات تحقق مطلوب حق بر آموزش، وجود امکانات آموزشی اعم از مدارس، دانشگاه‌ها، تجهیزات آموزشی، اشخاص آموزش‌دهنده (اساتید و معلمان) است. چنان‌که واضح است در صورت آسیب به هریک از مصادیق یادشده، تحقق حق بر آموزش مخدوش و افراد را از کسب آموزش مناسب محروم می‌کند. دراین خصوص نیز گزارش‌های مقامات و سازمان‌های رسمی بین‌المللی و ملی مؤید و مبین از بین رفتن بخش وسیعی از امکانات آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌ها و نیز شهادت، زندانی شدن و نقض جسمانی معلمان و اساتید دانشگاه است که از این منظر نیز نقض حق بر آموزش فلسطینیان در نتیجه اقدامات رژیم صهیونیستی واضح و مبرهن است. ازجمله مصادیق این موضوع می‌توان به گزارش‌های زیر اشاره کرد.

- وزارت آموزش و پرورش فلسطین اعلام کرد که در نوار غزه ۲۲۷ معلم و کادر اداری به شهادت رسیدند و ۷۵۶ تن زخمی شدند و در کرانه باختری نیز ۵ تن زخمی و بیش از ۷۱ تن بازداشت شده‌اند.
- وزارت آموزش و پرورش فلسطین اعلام کرد که در نوار غزه ۲۸۱ مدرسه دولتی و ۶۵ مدرسه وابسته به آن مورد بمباران و تخریب قرار گرفتند که باعث شد ۸۳ مدرسه به شدت آسیب ببینند و ۷ مدرسه کاملاً تخریب شوند. همچنین ۳۸ مدرسه در کرانه باختری در معرض تخریب و یورش قرار گرفتند (B2n.ir/b23857).
- به گزارش سرویس بین‌الملل خبرگزاری صداوسیما به نقل از شبکه خبری قدس، نظامیان رژیم صهیونیستی پس از گذشت هفتاد روز از تبدیل دانشگاه الاسراء در غزه به پایگاه نظامی و تبدیل مرکزی برای هدف قرار دادن غیرنظامیان، این دانشگاه را منفجر و ویدئویی از این انفجار منتشر کردند.
- دانشگاه الاسراء یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های فلسطین بود که رژیم صهیونیستی انفجار آن را به تصویر کشید و آن را به ویرانه‌ای تبدیل کرد. این اقدام رژیم صهیونیستی یک اقدام برنامه‌ریزی شده برای حمله به مؤسسات آموزشی فلسطین با هدف بی‌سوادی ملت فلسطین است که در تضاد آشکار با قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی است (B2n.ir/a30092).
- به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از الجزیره، دیده‌بان حقوق بشر اروپا-مدیرانه اعلام کرد که رژیم صهیونیستی تاکنون ۹۴ تن از اساتید دانشگاه‌های نوار غزه و صدها معلم و هزاران دانش‌آموز و دانشجو را هدف حمله‌های خود قرار داده است.
- در ادامه این گزارش آمده است: طی بیش از ۱۰۰ روز گذشته از آغاز جنگ علیه نوار غزه، اسرائیل به صورت مستقیم تمام دانشگاه‌های نوار غزه را که تحت محاصره قرار دارد ویران کرده

است (B2n.ir/x42953).

- بر اساس گزارش گروه حقوق بشری «ناظران حقوق بشر یورومد» مستقر در ژنو «ارتش رژیم صهیونیستی از زمان آغاز حملات به غزه، ۹۴ استاد دانشگاه به همراه صدها معلم و هزاران دانشجو را در چهارچوب جنگ نسل‌کشی خود علیه فلسطینیان در نوار غزه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ همچنان ادامه دارد، به شهادت رسانده است. در این حملات، ارتش صهیونیست شخصیت‌های دانشگاهی، علمی و نخبه در نوار غزه را در حملات هوایی خود به صورت عمدی مورد هدف قرار داده و به خانه‌های آن‌ها حمله کرده است. آن دسته از افرادی که هدف حمله صهیونیست‌ها قرار گرفتند، به همراه اعضای خانواده‌شان زیر آوار مدفون شدند. این گروه حقوق بشری مستقر در ژنو گفت، داده‌های اولیه نشان می‌دهد که هیچ توجیه یا دلیل روشنی در پس هدف قرار دادن این افراد وجود ندارد. این گروه همچنین اعلام کرد افراد مورد هدف شامل ۱۷ نفر دارای درجه استادی، ۵۹ نفر دارای مدرک دکتری و ۱۸ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. دانشگاهیان هدف در رشته‌های مختلف دانشگاهی مطالعه و تدریس کردند و بسیاری از ایده‌های آن‌ها به عنوان سنگ بنای تحقیقات دانشگاهی در دانشگاه‌های نوار غزه عمل می‌کرد. این گروه حقوق بشری افزود که با توجه به تخریب نظام‌مند و گسترده ساختمان‌های فرهنگی از جمله مؤسسات آموزش عالی با اهمیت تاریخی توسط نیروهای صهیونیست، به احتمال زیاد اسرائیل به عمد تمام جنبه‌های زندگی را در غزه هدف قرار داده است تا آگاهی مردم غزه را مورد هدف قرار دهد. اسرائیل در طول حمله بیش از ۱۰۰ روزه خود، به طور نظام‌مند تمام دانشگاه‌های نوار غزه را در چند مرحله نابود کرد. مرحله اول شامل بمباران دانشگاه‌های اسلامی و ال‌زهر بود. سایر دانشگاه‌ها نیز متحمل حملات مشابهی شدند. برخی از آن‌ها مانند دانشگاه الاسراء در جنوب غزه، پس از اینکه در ابتدا به عنوان پادگان نظامی مورد استفاده قرار گرفتند، کاملاً ویران شدند. رسانه‌های اسرائیلی روز چهارشنبه ۱۷ ژانویه ویدئویی را منتشر کردند که انفجار دانشگاه الاسراء را به تصویر کشیده بود. این انفجار ۷۰ روز پس از آن رخ داد که ارتش اسرائیل دانشگاه را به پادگان و بعداً به یک بازداشتگاه موقت تبدیل کرد. به گزارش ناظران حقوق بشر یورومد، بر اساس برآوردهای اولیه، حملات مداوم اسرائیل به نوار غزه منجر به کشته شدن صدها دانشجو و دانشگاه‌ها شده است. این گروه حقوقی با اشاره به اینکه تخریب دانشگاه‌ها و کشتار دانشگاهیان و دانشجویان، از سرگیری زندگی دانشگاهی را مختل کرده است، اعلام کرد ممکن است سال‌ها طول بکشد تا آموزش در محیطی که به طور کامل ویران شده از سر گرفته شود... یورومد هشدار داد که تخریب گسترده و عمدی اسرائیل به اموال فرهنگی و

تاریخی فلسطین از جمله دانشگاه‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها و بایگانی‌ها، نشان‌دهنده سیاست آشکار رژیم صهیونیست برای غیرقابل سکونت کردن نوار غزه است. ناظران حقوق بشر یورومد تأکید کردند که هدف قرار دادن مکان‌های غیرنظامی توسط نیروهای مسلح به‌ویژه آن‌هایی که آثار تاریخی یا فرهنگی هستند که توسط قوانین خاص محافظت می‌شوند، نه تنها نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه است، بلکه یک جنایت جنگی محسوب می‌شود^۱.

۳- تکالیف سازمان‌های بین‌المللی مسئول در قبال نقض حق بر آموزش در غزه

در زمینه ممانعت از نقض حق بر آموزش نهادها و مراجع مختلف بین‌المللی واجد نقش و صلاحیت هستند. در این میان برخی از این مراجع مانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله نهادهای عام جلوگیری از نقض حق بر آموزش شمرده می‌شوند. در کنار این مراجع عام برخی از مراجع به‌صورت اختصاصی صلاحیت بررسی تضمین حق بر آموزش را بر عهده دارند. براین اساس، در ادامه، در دو بند به‌صورت مختصر مهم‌ترین نهادها و مراجع مسئول در این زمینه را در خصوص نقض حق بر آموزش مردم فلسطین بیان می‌کنیم.

۳-۱- نهادهای عام حراست از حق بر آموزش

مقصود از نهادهای عام حراست از حق بر آموزش در حوزه بین‌الملل، نهادها و مراجعی هستند که صلاحیت آنان محدود به حراست از حق بر آموزش نبوده است، بلکه در کنار سایر صلاحیت‌های خود در این زمینه نیز واجد مسئولیت و صلاحیت هستند. از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها می‌توان به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، یونسف و یونسکو اشاره کرد.

۳-۲- نهادهای خاص تضمین حق آموزش

مقصود از مراجع خاص در حوزه تضمین حق آموزش مراجعی هستند که فلسفه تأسیس آن‌ها پیگیری و تضمین این حق در سطح جهانی است. مصداق مهم این دسته از مراجع گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق بر آموزش است. این گزارشگر ویژه توسط شورای حقوق بشر در قطعنامه ۴/۸ ژوئن ۲۰۰۸ تعریف شده است. بر اساس قطعنامه مزبور مهم‌ترین صلاحیت این گزارشگر جمع‌آوری، درخواست، دریافت و تبادل اطلاعات از همه منابع مرتبط در مورد تحقق حق بشر برای آموزش است. همچنین، این گزارشگر صلاحیت دارد برای شناسایی پیشرفت‌ها و شیوه‌های خوب و همچنین موانع در راه بهره‌مندی از این حق از جمله شناسایی چالش‌های پایدار و نوظهور بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده در تعاملات، مشاوره‌ها و تحقیقات، توصیه‌هایی در مورد اقدامات مناسب مورد نیاز برای احترام، ترویج و حمایت از

1- <https://euromedmonitor.org/en/search?keyword=palestin>.

حق آموزش برای همه بر اساس برابری و بدون تبعیض تدوین و به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر ارائه کند. بخشی از وظیفه این گزارشگر در نظر گرفتن وابستگی متقابل و ارتباط متقابل حق آموزش با سایر حقوق بشر است^۱.

نتیجه‌گیری

حق بر آموزش و سواد از جمله حقوق اساسی بشر شمرده می‌شود که در تعامل با سایر حقوق بشری این حق زمینه‌ساز تحقق و پیاده‌سازی برخی دیگر از حقوق بشر از جمله حق کار، آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و... شمرده می‌شود. بر این اساس، با نقض حق بر آموزش در واقع حقوق متعدد دیگری نیز به تبع آن مخدوش می‌شود. نقض این حق بنیادین بشری افزون بر آثار محسوس عینی و آنی آن، تأثیر شگرفی در آینده و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملت‌ها دارد. بر همین اساس در اسناد بین‌المللی هدف از این حق، ارتقای شخصیت انسانی، آماده‌سازی فرد برای یک زندگی مسئولانه در جامعه با روحیه تفاهم، صلح، مدارا و... دانسته شده است. به رغم اهمیت این حق و تأثیر آن در سرنوشت سیاسی، اجتماعی جامعه (ملی و جهانی)، بررسی انجام‌شده نشان داد که حملات رژیم صهیونیستی به فلسطین (نوار غزه) از ابعاد مختلفی حق مزبور را نقض کرده است.

مبتهی بر ارکان مؤثر در تحقق حق بر آموزش (فرد- آموزش‌گیرنده، والدین و دولت- پشتیبان و ساختارهای آموزشی- آموزش‌دهنده) ابعاد نقض این حق در غزه بسیار گسترده و اغماض‌ناپذیر است. با این توضیح که با به خطر افتادن حق حیات دانشجویان و دانش‌آموزان، اساساً حق بر آموزش نقض و منتفی می‌شود. افزون‌براین، با حملات غیرانسانی رژیم صهیونیستی به غیرنظامیان و تخریب گسترده مراکز بهداشتی و درمانی، منابع انرژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و... دولت و والدین به‌عنوان رکن پشتیبان تحقق حق بر آموزش، فرصت و ظرفیت انجام رسالت خود را در این خصوص ندارند و از این منظر اقدامات رژیم صهیونیستی به‌صورت گسترده ناقض حق بر آموزش فلسطینیان شمرده می‌شود. بعد دیگر نقض این حق، تخریب گسترده واحدهای آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) و شهید، زندانی و مجروح کردن معلمان و اساتید دانشگاه است که زمینه آموزش را در فلسطین با مشکل مواجه می‌کند. بعد اخیر از نقض این حق از این منظر نیز باید مورد توجه قرار گیرد که با توجه به تخریب واحدهای آموزشی و کشتار معلمان و اساتید، این اقدام نقض مستمر و آتی حق بر آموزش فلسطینیان نیز شمرده می‌شود؛ زیرا برای جایگزینی یک استاد یا معلم سال‌های زیادی لازم است تا فرد آموزش ببیند و آماده تدریس شود. توجه به همه نکات مزبور حاکی از نقض نظام‌مند حق بر

1- <https://www.unesco.org/en/articles/qa-un-special-rapporteur-right-education>.

آموزش فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی است. در این خصوص سازمان‌های بین‌المللی از جمله مراجع عام (مانند مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر) و نهادهای خاص مانند گزارشگر ویژه حق بر آموزش، باید تکالیف قانونی خود را تا تحقق نتیجه نهایی به انجام رسانند.

کتابنامه

- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- اعلامیه جهانی حقوق کودک.
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره).
- کنوانسیون حقوق کودک.
- منشور آفریقایی حقوق بشر.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- بلیخ، ناهید؛ داور، زهرا و... زیر نظر نسرين مصفا (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری آن در حقوق داخلی/ایران، تهران: گرایش.
- پروین، خیراله (۱۳۹۶). حقوق بشر از نظر تا عمل، تهران: میزان.
- حسنی، علیرضا؛ باقری، علی؛ رستگارپور، حسن (۱۳۹۴). حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، اولین کنفرانس علوم انسانی با رویکرد بومی-اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین.
- شایگان، فریده، طارم‌سری، مسعود و... زیر نظر جمشید ممتاز (۱۳۸۲). تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: نشر گرایش.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، قم: آیین احمد (صلی الله علیه).
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان، چاپ ۱.

Palumbo-Liu, David (2015). "To critics of the academic boycott of Israel: What about "academic freedom" for the children of Gaza?", Salon website, Published May 2015.
 B2n.ir/e95300.
 B2n.ir/b23857.
 B2n.ir/b23857.
 B2n.ir/a30092.
 B2n.ir/x42953.
<https://euromedmonitor.org/en/search?keyword=palestin>.
<https://www.unesco.org/en/articles/qa-un-special-rapporteur-right-education>.
<https://www.unesco.org/en/articles/qa-un-special-rapporteur-right-education>.

سازوکارهای قضایی پیگیری و طرح دعوی علیه رژیم صهیونیستی (مطالعه موردی جنایات ارتكابی در مخاصمه غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳)

زینب فرهمندزاد*

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

یکی از اتهامات متوجه رژیم صهیونیستی، ارتكاب جنایت نسل کشی در نوار غزه است. بر اساس کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی (۱۹۴۸)، دولت‌های عضو نه تنها ملزم به عدم اقدام به نسل کشی یا تحریک به آن هستند، بلکه تعهد بین‌المللی مبنی بر پیشگیری از ارتكاب نسل کشی یا تحریک به نسل کشی به عنوان رفتار مجرمانه مستقل دارند. ارتكاب جرائم بین‌المللی دیگر مانند جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت مندرج در اساسنامه رم (۱۹۹۸) دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) توسط رژیم صهیونیستی از دیگر مواردی است که لزوم بررسی سازوکارهای قضایی پیگیری و طرح دعوی علیه این رژیم اشغالگر را خاطرنشان می‌سازد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به لزوم مقابله با بی‌کیفرمانی جرائم بین‌المللی، در نظام بین‌الملل کنونی چه سازوکارهای مؤثری برای پیگیری و محاکمه ناقضان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه منسوب به رژیم صهیونیستی در جنگ غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ وجود دارد؟ این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی بر مبنای صلاحیت جهانی و دادگاه‌های منطقه‌ای و اختصاصی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

سازوکارهای قضایی، جنگ غزه، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های ملی، دادگاه‌های منطقه‌ای، شدیدترین جرائم بین‌المللی.

Z_farahmandzad@atu.ac.ir

* دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

**Judicial mechanisms for prosecuting and filing lawsuits against
the Zionist regime (a case study of crimes committed in the Gaza
conflict after October 7, 2023)**

Zeinab Farahmandzad*

Abstract

One of the accusations against the Zionist regime is committing the crime of genocide in the Gaza Strip. According to the 1948 Convention on the Prohibition and Punishment of Genocide, member states are not only required not to commit or incite genocide but also have an international obligation to prevent the commission of genocide or incitement to genocide as an independent criminal act. Committing war crimes in violation of the Four Geneva Conventions (1949) and crimes against humanity contained in the Rome Statute (1998) of the International Criminal Court by the Zionist regime are also other cases that point out the need to review the judicial mechanisms to pursue and file a lawsuit against this occupying regime. The main question of the current research is that, considering the need to deal with the impunity of international crimes, in the current international system, what are the effective mechanisms for pursuing and prosecuting the violators of human rights and humanitarian rights attributed to the Zionist regime in the Gaza war after October 7, 2023?. This research examines mechanisms such as the International Court of Justice, the International Criminal Court, national courts based on universal jurisdiction, and regional and special courts with an analytical-descriptive method.

Keywords

judicial mechanisms, Gaza war, International Court of Justice, International Criminal Court, national courts, regional courts, the most severe international crimes.

* PhD in International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Z_farahmandzad@atu.ac.ir

مقدمه

مناقشه اسرائیل و فلسطین چالشی برای حقوق بین‌الملل است. مردم فلسطین خواستار تعیین سرنوشت، استقلال کشور و پایان اشغالگری اسرائیل هستند. اسرائیل در نقطه مقابل، خواستار پایان دادن به حملات فرامرزی، حقوق زمین‌های ضمیمه‌شده حاوی شهرک‌های اسرائیلی و حاکمیت بر بیت‌المقدس است (Maguire & Thompson, 2017: 532). اصل حق تعیین سرنوشت برای مردم^۱ از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است که در ماده ۱ منشور ملل متحد بدان اشاره شده است. این اصل اظهار می‌دارد که در احترام به اصل حقوق برابر و برابری منصفانه فرصت‌ها، ملت‌ها حق دارند حاکمیت و وضعیت سیاسی بین‌المللی خود را بدون هرگونه اجبار یا مداخله خارجی برگزینند. در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۶۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۵۱۴ (XV) با عنوان «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان مستعمرات» را به منظور اعطای استقلال به ایشان تصویب کرد تا میان تعیین سرنوشت و هدف استعمارزدایی آن پیوند حقوقی اجتناب‌ناپذیری برقرار شود و حق نوین مبتنی بر حقوق بین‌الملل مبنی بر آزادی تعیین سرنوشت اقتصادی را لازم بداند. در ماده ۵ این قطعنامه بیان می‌شود که باید برای مناطق غیرخودگردان یا همه دیگر مناطقی که هنوز به استقلال دست نیافته‌اند، گام‌های فوری برداشته شود تا همه قدرت‌ها در انطباق با خواست آزادانه ابرازشده آنان بدون هرگونه تمایز نسبت به نژاد، تیره، رنگ پوست یا هر شرایط و پیش‌فرضی، به مردم آن مناطق منتقل شود تا آنان را قادر سازد از استقلال و آزادی کامل برخوردار شوند. افزون‌براین، مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۶۰، قطعنامه ۱۵۴۱ (XV) را تحت ماده ۷۳ منشور ملل متحد تصویب کرد با این منظور که عدم آمادگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا آموزشی هرگز نباید زمینه‌ای برای تأخیر در استقلال شود، تا انطباق کامل استعمارزدایی با اصل تعیین سرنوشت را تضمین کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰/۱۰/۲۰۲۳ نیز با اکثریت قاطع آرا، قطعنامه مربوط به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین را تصویب کرد. این قطعنامه بر حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود از جمله حقشان در تشکیل کشور مستقل تأکید دارد و تمام کشورها و مؤسسات سازمان ملل را به تداوم حمایت از ملت فلسطین و کمک به آن‌ها در دستیابی به حق خود در نزدیک‌ترین زمان ممکن ترغیب می‌کند.

این قطعنامه و مواد متعددی از منشور ملل متحد نشان‌دهنده و تأییدکننده حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود هستند. با این حال، بیش از ۷۵ سال است که حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و مجامع بین‌المللی نادیده گرفته شده است. حمله ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳

حماس به مواضع رژیم صهیونیستی، خشم انباشته شده‌ای در نتیجه ۷۵ سال اشغالگری رژیم اشغالگر صهیونیستی بود که به «طوفان الاقصی» معروف است.

جنگ غزه به لحاظ ماهیت طرفین تخاصم میان نیروهای مسلح رژیم اسرائیل و شاخه نظامی حماس و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی رخ داده است. با وجود عضویت رژیم اسرائیل در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و عدم عضویت در پروتکل‌های الحاقی اول و دوم ۱۹۷۷، با توجه به عرفی بودن قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رژیم اسرائیل نمی‌تواند با استناد به عدم عضویت در پروتکل‌های الحاقی اول و دوم و اعلام قصد ترک موقعیت خود به عنوان قدرت اشغالگر از سال ۲۰۰۵، از مسئولیت‌های بین‌المللی خود به عنوان قدرت اشغالگر شانه خالی کند. رژیم اسرائیل در جنگ غزه، کنترل مؤثر خود را در نوار غزه اعمال کرده و ادامه این کنترل باعث شده است که نوار غزه تحت اشغال اسرائیل باشد. از این رو در هر زمان باید مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) با توجه به تعهدات اسرائیل نسبت به نوار غزه از سوی این رژیم رعایت شود. حتی اعتقاد به ارتکاب اعمال ناقض حقوق بین‌الملل از طرف مقابل، مقابله به مثل کردن و اقدامات متقابل یا نقض قواعد و اصول حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک، اصل مارتنس، اصل ضرورت و... را مجاز نمی‌سازد. همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل اعلام کرده است، اشغالگر در حفاظت از حقوق بشر افراد تحت صلاحیت خود مسئول است (توحیدی، ۱۴۰۲).^۱

رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه تاکنون، مجموعه متنوعی از نقض قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در سطحی بسیار گسترده مرتکب شده است و نیروهای مسلح اسرائیل مرتکب اقداماتی شامل نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت شده‌اند. عملکرد نیروهای مسلح اسرائیل مبتنی بر نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو در رابطه با قتل‌های خودسرانه و... موجب رنج بسیار افراد مورد حمایت و همچنین، ایجاد مسئولیت کیفری فردی شده است. نیروهای مسلح اسرائیل بارها از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های حاوی فسفر سفید، بمب‌های خوشه‌ای و سلاح‌های انفجاری حاوی ذرات فلزی متراکم علیه مردم غزه و اخیراً علیه بیمارستان کودکان استفاده کرده‌اند که از مصادیق بارز جنایات جنگی است. در نتیجه این جنایات تاکنون پس از گذشت ۱۰۰ روز از جنگ، حدود ۳۰۰۰۰ نفر از فلسطینیان شهید و مفقودالاثر شده‌اند. بیش از ۱۰۰۰۰ کودک شهید و بیش از ۷۰۰۰ زن شهید، ۳۳۲ نفر شهید تیم پزشکی، ۱۱۷ شهید خبرنگار، ۳۸۴ مدرسه و مرکز آموزشی به کلی ویران شده، ۱۴۲ مسجد و ۳ کلیسای کاملاً تخریب شده، ۶۹۰۰۰ واحد مسکونی کاملاً ویران شده، ۲۹۰۰۰۰ واحد مسکونی تا حدی ویران شده، ۳۰

بیمارستان و ۵۳ مرکز بهداشتی خارج شده از خدمت و ۱۵۰ مؤسسه بهداشتی تا حدی تخریب شده، از دستاوردهای جنایات رژیم صهیونیستی هستند.^۱ بررسی واقعیات و جنایات ارتكابی از سوی متجاوزان در جنگ غزه و تطبیق آن با قواعد و اصول حقوق بین الملل بشردوستانه نشان می دهد که مهم ترین و اساسی ترین جرائم تعریف شده در کنوانسیون های چهارگانه ژنو سال ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ از جمله جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل کشی در موارد متعدد نقض شده است و بر همین اساس، می توان آمران، عاملان و هدایت کنندگان جنگ اخیر غزه را به دلیل نقض آشکار این اصول و قواعد اساسی طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، به عنوان جنایت کار جنگی معرفی کرد. همچنین، می توان مسئولیت بین المللی رژیم اشغالگر را در چهارچوب نقض قواعد بشردوستانه و حقوق بشر بین الملل در محاکم بین المللی، منطقه ای و ملی احراز کرد.

پژوهش هایی که تاکنون در موضوع پیگیری قضایی رژیم صهیونیستی در دادگاه های دارای صلاحیت انجام شده، بیشتر ناظر به دیوان کیفری بین المللی بوده است و در زمینه دیگر دادگاه های واجد صلاحیت در این باره، پیشینه پژوهش شایان ذکری وجود ندارد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به لزوم مقابله با بی کیفرمانی جرائم بین المللی، در نظام بین الملل کنونی چه سازوکارهای مؤثری برای پیگیری و محاکمه ناقضان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه منسوب به رژیم صهیونیستی در جنگ غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ وجود دارد؟ ما استدلال می کنیم که تلاش های آینده نگر برای دستیابی به عدالت بین المللی در این باره، باید به نگرانی های حقوق بشری امتیاز و حق مردم فلسطین را برای تعیین سرنوشت در اولویت قرار دهد. هدف این تحلیل، مداخله قانون در فضای چالش های بین المللی است که به تقویت گفتمان حقوق بشر در چهارچوب حقوق بین الملل کمک کند. برای رسیدن به این مهم لازم است که صلاحیت مراجع قضایی بین المللی، منطقه ای و ملی مورد مذاقه قرار گیرد.

۱- مراجع قضایی بین المللی

مراجع قضایی بین المللی به دو دسته حقوقی و کیفری تقسیم بندی می شوند که در زیر به راهکارهای پیگیری جنایات بین المللی ارتكاب یافته در نوار غزه از طریق هر کدام آن ها پرداخته می شود.

۱-۱- راهکارهای پیگیری جنایات بین‌المللی ارتکاب‌یافته در نوار غزه از طریق دیوان بین‌المللی کیفری

طبق ماده ۱۳ اساسنامه رم (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸)، صلاحیت دیوان کیفری برای رسیدگی به جنایات از سه طریق ممکن است. ۱- درخواست دولت عضوی که جنایت در آن رخ داده از دادستان برای ورود به موضوع (مفاد ماده ۱۴)، ۲- ارجاع امر از شورای امنیت به دادستان دیوان و ۳- ورود شخص دادستان و آغاز بررسی منطبق با ماده ۱۵ اساسنامه.

از یک آوریل سال ۲۰۱۵، دولت فلسطین به‌عنوان دولت غیرعضو ناظر سازمان ملل، عضویت خود در دیوان بین‌المللی کیفری را اعلام کرد و پیش از آن، اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را در یک ژانویه بر مبنای بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان که به دول غیرعضو اجازه می‌داد که صلاحیت دیوان را در وضعیت‌های خاص بر مبنای ویژه بپذیرند، به همراه امضای موافقت‌نامه مزایا و مصونیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی تقدیم کرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۷). در سال‌های پس از آن، رژیم صهیونیستی با ادعای اینکه فلسطین دولت مستقلی نیست، اعتراض خود را به این عضویت نشان داد و به همین علت عضو دیوان نشد. باوجوداین، در سال ۲۰۲۱ دیوان کیفری رسماً اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به همه دعاوی کیفری ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۶۷ از جمله غزه و کرانه باختری را دارد (Bosco, 2016: 160). با اینکه رژیم صهیونیستی عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست، اما می‌توان اتباع آن را که در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مرتکب جنایات جنگی یا نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت شده‌اند، مورد تعقیب بین‌المللی قرار داد (نخستین شیوه).

دومین شیوه، درخواست و ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت به دادستان است که با توجه به مخالفت و وتوی برخی از اعضای دائم شورای امنیت یعنی آمریکا، انگلیس و فرانسه، این روش عملاً غیرممکن خواهد بود.

سومین شیوه، مطابق با ماده ۱۵ اساسنامه، ورود ابتکاری و شخصی دادستان به موضوع پیگرد آن است. این مهم از راه‌های مختلفی ممکن است از جمله وصول درخواست‌های متعدد از سوی دولت‌ها، نهادهای وابسته به سازمان ملل، سازمان‌های بین‌دولتی و مردم‌نهاد و هر منبع شایان اعتماد دیگر. بر اساس بند ۲ ماده ۱۵ اساسنامه رم، پس از ارسال اطلاعات و بررسی آن‌ها از سوی دادستان، وی می‌تواند برای تحقیقات اقدام کند. به نظر می‌رسد این شیوه، قابل دسترس‌ترین و ممکن‌ترین راه بهره‌گیری از ظرفیت دادستان باشد. بنابراین، می‌توان با استفاده از شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد مدافع فلسطین و ارسال مستندات و ادله لازم، از دادستان دیوان درخواست رسیدگی عاجل به جنایات اسرائیل در غزه و پیگرد و صدور حکم بازداشت

جانیان و بانیان و طراحان آن را درخواست کرد. دولت‌های جیبوتی، آفریقای جنوبی، بولیوی، کومور و بنگلادش تاکنون طبق بند ۳ ماده ۱۳ اساسنامه، شکواییه خود را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کرده‌اند.

۲-۱- راهکارهای پیگیری جنایات بین‌المللی ارتکاب‌یافته در نوار غزه از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری

برای پیگیری جنایات اسرائیل در غزه از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری به دو شیوه می‌توان اقدام کرد. ۱- تقاضای نظریه مشورتی و ۲- طرح دعوای ترافیعی.

۱-۲-۱- تقاضای نظریه مشورتی

پیش از این دو بار از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره وضعیت حقوقی سرزمین‌های اشغالی نظریه مشورتی درخواست شده است. نخستین بار در سال ۲۰۰۴ در قضیه دیوار حائل مطرح شد و دیوان در نظریه پایانی خود بسیاری از اقدامات اسرائیل را ناقض قواعد حقوق بین‌الملل برشمرد و از همه دولت‌ها خواست که اقدامات نامشروع اسرائیل را به رسمیت نشناسند. در سال ۲۰۲۲ نیز رأی مشورتی دیگری با عنوان «اقدامات اسرائیل که حقوق بشر مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی از جمله اورشلیم شرقی را متأثر می‌کند»، به دیوان ارجاع داده شد. ذکر این نکته ضروری است که آرای مشورتی دیوان تنها جنبه حقوقی دارد و اثر آن، محکومیت اقدامات ناقضان حقوق بین‌الملل است. فرایند رسیدگی در دیوان کند است و در عمل پیامدهای کیفری برای جانیان بین‌المللی به همراه ندارد، اما در هر صورت نباید از این امکان حقوقی صرف‌نظر کرد. اکنون بیش از هر زمان دیگر باید چشم انتظار صدور نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره تعهدات اشغالگر بود. ضروری است دولت‌های مخالف اسرائیل، در نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری ناظر بر تعهدات اشغالگر، به‌طور مؤثر و فعال حضور یابند و بیانیه‌ها و نظرهای تخصصی و راهگشای خود را در این باره به دیوان ارائه دهند.

۲-۱-۲- طرح دعوای ترافیعی

در بعد ترافیعی، هرگونه رسیدگی به وضعیت نوار غزه مستلزم پذیرش صلاحیت دیوان توسط طرفین اختلاف به‌صورت اختیاری یا اجباری است؛ موضوعی که به دلیل ابهامات موجود در وضعیت دولت بودن فلسطین از سویی و از سوی دیگر قابل پیش‌بینی بودن خودداری رژیم اسرائیل از هرگونه پذیرش صلاحیت دیوان در مورد وضعیت سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، چندان راهگشا به نظر نمی‌رسد. راه‌حل دیگر استناد به صلاحیت اعطاشده به دیوان در ضمن معاهدات و کنوانسیون‌هایی است که طرفین اختلاف پیش‌تر به‌صورت خاص آن‌ها را امضا کرده و

پذیرفته‌اند. در این باره می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی امحای تبعیض نژادی (۱۹۶۵) و کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) اشاره کرد که در مفاد آن‌ها، امکان رجوع اختلافات مرتبط با معاهده، به دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر شده است. چنین امکانی در ماده ۲۲ کنوانسیون بین‌المللی امحای تبعیض نژادی و ماده ۹ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی پیش‌بینی شده است. گفتنی است که اسرائیل در رابطه با ماده ۲۲ کنوانسیون امحای تبعیض نژادی، قائل به رزرو شده است و بنابراین امکان استفاده از این کنوانسیون در ارجاع اعمال رژیم اسرائیل به دیوان بین‌المللی دادگستری وجود ندارد. چنین مانعی در ارتباط با کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی وجود ندارد؛ زیرا عضویت اسرائیل در سند مزبور بدون ارائه هرگونه رزرو بوده است. می‌توان چنین گفت که در مقام امکان‌سنجی، امکان طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری توسط دیگر اعضای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی علیه اسرائیل با تأکید بر نقض شدن مفاد کنوانسیون به دلیل اعمال منتسب به آن رژیم در نوار غزه وجود دارد.

یکی از اتهامات متوجه رژیم صهیونیستی، ارتکاب جنایت نسل‌کشی در نوار غزه است. بر اساس کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸)، دولت‌های عضو نه تنها ملزم به عدم اقدام به نسل‌کشی یا تحریک به آن هستند، بلکه تعهد بین‌المللی مبنی بر پیشگیری از ارتکاب نسل‌کشی یا تحریک به نسل‌کشی به عنوان رفتار مجرمانه مستقل دارند. مطابق رأی ماهیتی سال ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اعمال کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (دعوی بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو)، تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی تعهدی ایجابی و مستلزم به‌کارگیری همه تدابیر و امکانات موجود و مهیا از سوی دولتی است که می‌تواند با اثرگذاری خود اقدام به پیشگیری از نسل‌کشی چه در قلمرو سرزمینی خود و چه در دیگر سرزمین‌ها (با توجه به ماهیت فراسرزمینی بودن تعهدات کنوانسیون نسل‌کشی) کند. این تعهد بر اساس رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه و حتی بی‌اثر بودن آن در عمل، مانع از تحقق این تعهد و لازم‌الاجرا بودن آن نیست. همچنین، تعهد مزبور از زمان مشاهده و «بروز خطر جدی» نسل‌کشی یعنی پیش از نسل‌کشی آغاز می‌شود تا امکان بازدارندگی و پیشگیری وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد که نشانه‌های این خطر جدی در غزه تحقق یافته است؛ به‌ویژه که هم گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد سرزمین‌های اشغالی، به‌صراحت از پاک‌سازی قومی در نوار غزه سخن رانده است (که مقدمه و زمینه‌ساز نسل‌کشی است) و هم اظهارات و اقدامات مقامات صهیونیستی (تهدید به حصر کامل و گرسنگی دادن، حیوان قلمداد کردن مردم غزه و...) این مسئله را تأیید می‌کند.

سابقه تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری به سال ۱۹۲۱ بازمی‌گردد. این دادگاه جهانی در دعوی بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی نیز رأی معروف نسل‌کشی خود را صادر کرده است. محتوای این حکم در توقف و خودداری از جرم نسل‌کشی بود.

به گزارش تارنمای دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت آفریقای جنوبی در تاریخ ۲۹ دسامبر سال ۲۰۲۳، دعوایی علیه اسرائیل بر مبنای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی اقامه کرد.^۱ این دعوا مربوط به اقدامات اسرائیل علیه مردم نوار غزه است. از نظر آفریقای جنوبی، اسرائیل دارای ویژگی نسل‌کشی است و با قصد لازم ارتکاب نسل‌کشی برای نابودی فلسطینیان در غزه به‌عنوان بخشی از ملیت، نژاد و قومیت فلسطینی همراه است. فعل و ترک فعل‌های اسرائیل از طریق ارگان‌ها، مأموران و دیگر اشخاص و موجودیت‌هایی که از طرف اسرائیل یا به دستور یا تحت کنترل یا نفوذ اسرائیل نسبت به مردم فلسطین در غزه عمل می‌کنند، نقض تعهدات ناشی از کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی است.

مطابق دادخواست آفریقای جنوبی، اسرائیل از ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳، تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی را نقض کرده و نسبت به تعقیب تحریک مستقیم و عمومی نسبت به نسل‌کشی قصور ورزیده است. اسرائیل با اقدامات خود ریسک ارتکاب نسل‌کشی را نسبت به مردم فلسطین انجام داده یا در حال انجام است.

مبنای صلاحیت معرفی‌شده، ماده ۹ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) است. نکته جالب توجه این دادخواست، صدور هم‌زمان دستور موقت پیشگیری از نسل‌کشی و توقف کشتار اعضای گروه از سوی دیوان است. نکته مهم دیگر، حجم صفحات دادخواست که ۷۲ صفحه است و به جزئیات بسیاری در آن توجه شده و ۱۲ صفحه نیز به دستور موقت اختصاص یافته است. با توجه به رویه پیشین دیوان، به نظر برخی از حقوق‌دانان^۲، آفریقای جنوبی می‌تواند حکم «توقف و خودداری از ارتکاب هرگونه اقدام به نسل‌کشی علیه فلسطینیان» را علیه اسرائیل بگیرد. این حکم، اذعان به این خواهد بود که نسل‌کشی علیه فلسطینیان در جریان است و بنا به ماده ۱ معاهده نسل‌کشی ۱۹۴۸، تمام ۱۵۳ عضو این کنوانسیون، موظف به «جلوگیری» از نسل‌کشی علیه فلسطینیان هستند. در گام بعدی، وقتی این دادگاه بین‌المللی دستور توقف و خودداری از نسل‌کشی را علیه اسرائیل صادر کند، دولت ایالات متحده آمریکا بر اساس بند ۳ از ماده معاهده نسل‌کشی که مشارکت در نسل‌کشی را جرم می‌شمارد، محکوم خواهد بود. همان‌طور که می‌دانیم، دولت بایدن مدت‌هاست که مشغول مساعدت به نسل‌کشی اسرائیل علیه فلسطینیان بوده و هست. این

1- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), 2024.

2- Fransis Boil, International Law Professor of Illinois University.

دولت هم‌اکنون مشغول نقض «قانون اجرای معاهده نسل‌کشی» است که بنا بر این قانون، نسل‌کشی در چهارچوب حقوقی ایالات متحده جرم است. از این‌رو هنگامی که آفریقای جنوبی آن حکم را بگیرد، دولت بایدن نیز ناقض «قانون اجرای معاهده نسل‌کشی» خواهد بود.

۲- تشکیل دادگاه کیفری صالح منطقه‌ای

با عنایت به زمان‌بر بودن رسیدگی کیفری در دیوان کیفری بین‌المللی با توجه به عدم عضویت رژیم صهیونیستی در اساسنامه این دیوان و محدودیت‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین در اقامه دعوی در دیوان یادشده با توجه به مفاد پیمان اسلو که رسیدگی به دعاوی میان اسرائیل و فلسطین را بر عهده نهاد داوری قرار داده است، لزوم تشکیل و تأسیس دادگاه‌های ویژه^۱ رسیدگی به جنایات رژیم اسرائیل به‌صورت منطقه‌ای با مشارکت دیگر دول همسو (اعم از اسلامی و غیراسلامی) یا سازمان همکاری اسلامی در این زمان بیش‌ازپیش احساس می‌شود. تمام سازوکارهای کنونی موجود درباره پیگیری حقوق بشر در اسناد و نهادهای منطقه‌ای ازجمله «سازمان همکاری اسلامی»، «شورای همکاری خلیج فارس» و «اتحادیه کشورهای عربی» به شرح زیر است.

۲-۱- امکان احیای دیوان بین‌المللی عدل اسلامی سازمان همکاری اسلامی

سازمان همکاری اسلامی^۲ (با عنوان پیشین سازمان کنفرانس اسلامی) به‌عنوان سازمان بین‌دولتی دارای ۵۷ عضو از چهار قاره است که در سال ۱۹۶۹ در میان کشورهای مسلمان تأسیس شد. سه رکن اصلی نظارت و ارتقای حقوق بشر در این سازمان عبارت‌اند از «اعلامیه قاهره با عنوان حقوق بشر در اسلام» (۱۹۹۰)، «میثاق حقوق کودک در اسلام» (۲۰۰۵) و «کمیسیون مستقل و دائمی حقوق بشر» (۲۰۱۱).

در اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۷ در کویت، با تصویب قطعنامه‌ای مقرر شد «دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی» (ICCJ) تأسیس شود و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان، به تفسیر معاهدات دو یا چندجانبه و رسیدگی به اختلافات بین‌المللی و تمام موضوعات مرتبط با حقوق بین‌الملل و نقض آن پردازد. همچنین، مقرر شد این دادگاه در کویت با حضور ۷ قاضی با تصدی دوره‌ای چهارساله و ملیت‌های مختلف از کشورهای اسلامی راه‌اندازی شود. پیش از آن در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳، اساسنامه این دادگاه چندین نوبت اصلاح شد. در سال ۱۹۸۴، در چهاردهمین کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی، قطعنامه ایجاد دادگاهی واقعی به

1- Ad hoc

2- Organization of Islamic Cooperation

تصویب رسید، اما تصویب سند نهایی تأسیس این دادگاه تا اجلاس پنجم سازمان کنفرانس اسلامی به تعویق افتاد (لومباردینی، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

برای دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی دو حوزه صلاحیتی عام در ماده ۲۵ اساسنامه آن در نظر گرفته شده است؛ ۱. رسیدگی به اختلافات و مناقشات بین‌المللی میان اعضا و ۲. آرای مشورتی؛ البته عبارات مندرج در ماده ۲۵ بسیار کلی است و تفاسیر متفاوت و بعضاً متضادی از آن می‌توان ارائه کرد. ماده ۲۵ مقرر می‌دارد «دیوان صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارد. الف- همه اموری که کشورهای عضو کنفرانس اسلامی موافقت کنند که نزد دیوان مطرح کنند.

ب- همه اموری که در معاهده یا کنوانسیون لازم‌الاجرا در صلاحیت دیوان قرار داده شده است.

پ- تفسیر هر معاهده یا کنوانسیون دو یا چندجانبه.

ت- رسیدگی به هر موضوع حقوق بین‌الملل.

ث- شروع رسیدگی مقدماتی درباره هر موضوعی که نقض تعهد بین‌المللی شمرده می‌شود اگر دیوان آن را واضح و آشکار بشناسد.

ج- تعیین ماهیت و میزان خسارت ناشی از نقض هر تعهد بین‌المللی».

به نظر می‌رسد دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی از نظر ماهیتی کارکردی شبیه دیوان بین‌المللی دادگستری در سطح کشورهای مسلمان دارد. اساسنامه این دیوان به امضای مورد نیاز برای لازم‌الاجرا شدن نرسیده (حدود ۳۴ تصویب از ۴۲ امضا باقی مانده است) و حتی جمهوری اسلامی ایران بدان نپیوسته است.

با توجه به اینکه این دادگاه صلاحیت توافقی و مشورتی دارد و فاقد صلاحیت کیفری است، دولت‌های عضو اساسنامه در صورت اجرایی شدن اساسنامه و به حد نصاب رسیدن تصویب‌ها می‌توانند علیه رژیم صهیونیستی در این دادگاه اقامه دعوی کنند و به‌موجب کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد این رژیم را احراز کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران ضمن تصویب اساسنامه این دیوان، با رایزنی با دیگر دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی، زمینه به حد نصاب رسیدن تصویب اساسنامه دیوان را برای شروع به کار آن فراهم کند.

۲-۲- شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس با عنوان اصلی شورای همکاری کشورهای عربی پیرامون خلیج

فارس، سازمانی سیاسی-تجاری متشکل از ۶ کشور عربی (عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان) است که در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد. این شورا در سال ۲۰۱۴، اعلامیه حقوق بشر خلیج فارس را منتشر کرد که جنبه الزام‌آور ندارد. ذیل این شورا هیچ نهاد یا سازوکار قضایی برای پیگیری و پیگرد نقض قواعد حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل پیش‌بینی نشده است. اعلامیه حقوق بشر خلیج فارس در خوش‌بینانه‌ترین حالت، مترصد ایجاد هنجارهای نرم منطقه‌ای برای حفاظت از حقوق بشر است؛ البته ماهیت اعلامیه‌ای این سند نیز ویژگی غیرالزام‌آور بودن آن را دوچندان می‌کند.

۳-۲- اتحادیه کشورهای عربی

مشور حقوق بشر عربی که در سال ۲۰۰۴ به تصویب برخی کشورهای عرب منطقه رسید، درنهایت، به تأسیس کمیته حقوق بشر عربی انجامید که قرار بود به‌عنوان رکن ناظر و تفسیری مشور حقوق بشر عربی به فعالیت پردازد. این تأسیس به دلیل فقدان کارایی لازم و نبود ضمانت اجرای قوی عملاً کاری از پیش نبرد تا اینکه در ۷ سپتامبر سال ۲۰۱۴، اتحادیه کشورهای عربی، اساسنامه دیوان عربی حقوق بشر را به تصویب رساند. بر مبنای این اساسنامه مقرر شد که دادگاه حقوق بشر عربی برای نظارت و رسیدگی به نقض حقوق بشر در میان کشورهای عضو رسیدگی کند؛ البته در عمل این سازوکار همچنان غیر فعال باقی مانده؛ زیرا لازم است ۷ عضو اتحادیه کشورهای عربی آن را به امضا و تصویب برسانند تا اساسنامه این دیوان لازم‌الاجرا شود.

۴-۲- لزوم تشکیل دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین

همان‌طور که گفته شد، نظام حقوق بشر حاکم بر سازمان همکاری اسلامی بیش از آنکه قضایی و حقوقی باشد، بیشتر جنبه مشورتی و حمایتی دارد. دادگاه عدل اسلامی به‌عنوان نهاد حقوقی رسیدگی به اختلافات میان کشورهای عضو به تصویب حداقل مورد نیاز نرسیده است. نظام حقوقی حاکم بر اتحادیه کشورهای عربی و دیوان حقوق بشر آن نیز جنبه کیفری ندارد و تا به امروز اجرایی نشده است. همچنین، به‌واسطه ماهیت صرفاً عربی آن، امکان همکاری با کشورهای غیرعربی مسلمان فراهم نیست.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، افزون‌بر لزوم تشکیل دادگاه‌های ملی و تصویب قوانین لازم در این باره، با عنایت به اینکه در حال حاضر هیچ سازوکار قضایی کیفری منطقه‌ای برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی میان کشورهای مسلمان موجود نیست، در راستای تکمیل و همچنین، تعدیل اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی و به‌خصوص با توجه به اینکه صلاحیت دیوان عام است و شامل ارزیابی رفتارهای فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها خواهد بود، پیشنهاد می‌شود دادگاه مشترکی از

سوی کشورهای اسلامی و عربی با محوریت جمهوری اسلامی ایران و هزینه دولت‌های عضو با صلاحیت انحصاری نسبت به جرائم بین‌المللی (نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی) مقامات و نیروهای وابسته به رژیم صهیونیستی (با خروج اتهامات ناظر به طرف فلسطینی از صلاحیت آن)، بر مبنای اصل صلاحیت جهانی تشکیل شود. در ابتدا باید یک کمیسیون تحقیق مشترک برای مستندسازی جرائم (معاینه محلی، ثبت اظهارات شهود و شناسایی قربانیان) ایجاد و سپس بر اساس یافته‌ها و توصیه‌های کمیسیون، اقدام به تأسیس دادگاه مشترک کنند که امکان محاکمه غیابی و صدور جلب متهمان را نیز داشته باشد. همچنین، از ظرفیت همکاری‌های بین‌الدولی در امور کیفری و ظرفیت‌های سازمان ملل متحد برای اجرای قرار و احکام این دادگاه نیز استفاده شود.

در این راستا پیشنهاد می‌شود دادگاهی اختصاصی و با ساختار کیفری با نام «دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین» برای رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی در غزه در ساختار سازمان همکاری اسلامی تعریف شود و اساسنامه این دادگاه نیز به تصویب برسد تا به سرعت آغاز به کار کند. در زیر به ساختار پیشنهادی این دادگاه کیفری اختصاصی اشاره می‌شود.

۱-۴-۲- ساختار پیشنهادی دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین

دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین، دادگاهی با ساختار کیفری و بر مبنای مبانی اسلامی خواهد بود که برای رسیدگی به جنایات سران و جنایت‌کاران رژیم صهیونیستی در غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تشکیل می‌شود. این دادگاه، دادگاه موقتی و منطقه‌ای است (این دادگاه می‌تواند توسط اعضای سازمان همکاری اسلامی با رأی اکثریت اعضا به سرعت تشکیل شود). این دادگاه بر اساس صلاحیت جهانی پذیرفته شده، سه دسته از جرائم جنایات جنگی (نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹)، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت را تحت تعقیب قرار می‌دهد. مقر دادگاه در کشور پاکستان یا هر کشور مورد توافق سازمان همکاری اسلامی است. هدف اصلی از تأسیس این دادگاه رسیدگی به جرائم ارتكابی اشخاص متهم به جرائم عمده‌ای مانند قتل، شکنجه، تجاوز، انتقال اجباری، تخریب گسترده اموال و دیگر جرائم یادشده در اساسنامه دادگاه در غزه است. با تأسیس این دادگاه، از طریق محاکمه مرتکبان این جرائم می‌توان از بروز این آن‌ها در آینده جلوگیری کرد و به تسریع پایداری و ادامه روند صلح و برگرداندن عدالت به هزاران قربانی این جرائم امیدوار بود.

تفاوت دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین و دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی مصوب سازمان همکاری اسلامی این است که دیوان یادشده صلاحیت کیفری ندارد و با

صلاحیت ترافیعی و مشورتی خود تنها می‌تواند به اختلافات دولت‌های عضو اساسنامه دیوان پردازد درحالی‌که دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین با داشتن صلاحیت کیفری می‌تواند به جنایات جنایت‌کاران رژیم صهیونیستی در غزه حتی به صورت غیابی رسیدگی و علیه آنان حکم صادر کند.

دادگاه از هفت قاضی مسلمان و یک دادستان تشکیل می‌شود و آرای دادگاه بر مبنای رأی اکثریت است. این قضات از میان نامزدهای پیشنهادی از سوی دولت‌های امضاکننده اساسنامه دادگاه به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی اجازه محاکمه غیابی را دارد. شدیدترین مجازات افراد محکوم‌شده در این دادگاه حبس ابد است.

۲-۴-۲- اساسنامه پیشنهادی دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین

ماده ۱- دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین، نهادی دارای قدرت اعمال صلاحیت بر اشخاص برای ارتکاب خطرناک‌ترین جرائم مورد اهتمام بین‌المللی به شرح یادشده در این اساسنامه است.

ماده ۲- دادگاه دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی و اهلیت قانونی لازم برای وظایف و مقاصد خود است.

ماده ۳- صلاحیت دادگاه منحصر به خطرناک‌ترین جرائم مورد اهتمام جامعه بین‌المللی است. دادگاه به موجب این اساسنامه نسبت به جرائم زیر صلاحیت رسیدگی دارد.

الف- جنایت نسل‌کشی.

ب- جنایت علیه بشریت.

پ- جنایات جنگی.

ماده ۴- منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هریک از اعمال زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد.

الف- قتل اعضای یک گروه.

ب- ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه.

پ- قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت نامناسب زندگی که منجر به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود.

ماده ۵- منظور از جنایت علیه بشریت در این اساسنامه، هریک از اعمال زیر است هنگامی که در چهارچوب حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی و با علم به آن انجام

می‌شود.

الف- قتل.

ب- ریشه کن کردن.

پ- به بردگی گرفتن.

ت- تبعید یا کوچ اجباری جمعیت.

ث- حبس کردن یا محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود.

ج- شکنجه.

چ- تجاوز جنسی یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی.

ح- تعقیب و آزار گروهی به علل سیاسی، نژادی، مذهبی، ملی، قومی، فرهنگی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هریک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دادگاه که در سراسر جهان به موجب مبانی اسلام و حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است.

خ- ناپدید کردن اجباری اشخاص.

د- جنایت تبعیض نژادی.

ذ- اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

ماده ۶- منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه موارد زیر است.

الف- نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹؛ یعنی هریک از اعمال مشروحه زیر بر ضد اشخاص یا دارایی‌هایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته‌اند.

۱- کشتار عمدی.

۲- شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی.

۳- فراهم کردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی.

۴- تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند.

۵- محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی.

۶- تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیرقانونی.

۷- گروگان‌گیری.

ب- دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلّم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی؛ یعنی هریک از اعمال مشروحه زیر.

- ۱- هدف قرار دادن جمعیت غیرنظامی.
- ۲- هدف قرار دادن اموال غیرنظامی.
- ۳- هدف قرار دادن کارکنان تأسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح به کار گرفته شده‌اند.
- ۴- حمله عمدی با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده درازمدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه، فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است.
- ۵- اقدام دولت اشغالگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی‌اش به سرزمین‌های اشغالی فلسطین یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از سرزمین.
- ۶- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که به مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته است و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها.
- ۷- تجاوز به کرامت شخص به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز.
- ۸- به کار بردن سم یا سلاح‌های سمی یا سلاح‌ها و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب‌رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم می‌شوند یا آنکه ذاتاً بدون تمیز و تفکیک اهداف و مغایر حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه هستند.
- ۹- تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی با محروم‌سازی آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است از جمله ممانعت خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو.
- ماده ۷- دادگاه نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه صورت گرفته باشد.
- ماده ۸- دولتی که عضو این اساسنامه می‌شود، صلاحیت دادگاه را نسبت به جرائم یادشده در ماده ۳ می‌پذیرد.
- ماده ۹- دادگاه در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که دست‌کم یکی از دولت‌های ذیل، عضو اساسنامه باشند یا صلاحیت دادگاه را طبق اعلامیه‌ای که صادر می‌کنند، بپذیرند.
- الف- دولتی که در قلمرو آن جرم مدنظر روی داده است.
- ب- دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است.

پ- دولتی که طبق قوانین داخلی خود، اصل صلاحیت جهانی را نسبت به جرائم بین‌المللی پذیرفته باشد.

ماده ۱۰- دادگاه می‌تواند مطابق مقررات اساسنامه، صلاحیت خود را نسبت به جنایات یادشده در اساسنامه اعمال کند، چنانچه

الف- یک دولت عضو، وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است، به دادستان ارجاع کند.

ب- دادستان تحقیقاتی را بر اساس اطلاعات و مستندات واصله درباره آن جنایت شروع کرده باشد.

ماده ۱۱- شریعت اسلامی قانون بنیادین دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین است. این دادگاه با رعایت اساسنامه و آیین دادرسی خود می‌تواند برحسب اقتضا به حقوق بین‌الملل ازجمله اصول مسلم حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه، کنوانسیون‌های بین‌المللی دو یا چندجانبه، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی یا به آرای صادره توسط دادگاه‌های بین‌المللی استناد کند.

ماده ۱۲- جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه است، مشمول مرور زمان نخواهند شد.

ماده ۱۳- هیچ فرد مجرمی با هر سمتی در برابر دادگاه مصونیت قضایی نخواهد داشت.

ماده ۱۴- سران رژیم صهیونیستی که در ارتکاب جرائم موضوع این اساسنامه نقش داشته‌اند، به حبس از ۳۰ سال تا ابد و توقیف اموال محکوم می‌شوند. همچنین، افسران و درجه‌داران رژیم صهیونیستی که به‌عنوان آمر یا مباشر در ارتکاب جرائم باشند، به حبس از ۲۵ سال تا ابد و توقیف اموال محکوم می‌شوند. دیگر افراد به هر عنوان که در جنایات موضوع این اساسنامه نقش داشته باشند، به حبس از ۱۰ تا ۳۰ سال و توقیف اموال محکوم می‌شوند.

ماده ۱۵- در هیچ صورتی دادگاه مجاز به اعطای عفو به جانین رژیم صهیونیستی نیست.

ماده ۱۶- دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین با رأی اکثریت دوسوم اعضای سازمان همکاری اسلامی آغاز به کار خواهد کرد.

دیگر موارد ازجمله آیین رسیدگی و عناصر مادی و معنوی جرائم، داخل در صلاحیت دادگاه و مجازات‌های این جرائم و شرایط و خصوصیات مرتکب جرم اعم از آمر یا مباشر و معاون و... در پیوست اساسنامه دادگاه خواهد آمد.

۳- اعمال صلاحیت جهانی در محاکم ملی صالح

با ظهور جرائم فراملی، ضرورت بازنگری در مبانی صلاحیت سرزمینی و شخصی شکل گرفت و

به دنبال آن، صلاحیت جهانی به عنوان مبنای قانونی رسیدگی به جرائم بین‌المللی وارد حقوق داخلی دولت‌ها شد. صرف‌نظر از منشأ (عرفی یا قراردادی بودن) و ماهیت (الزامی یا اختیاری بودن) صلاحیت جهانی، اعمال صلاحیت جهانی نیازمند شرایطی است که از منابع مختلف حقوق بین‌الملل قابل استخراج است. حضور متهم، قانونی بودن جرم و مجازات، منع مجازات مضاعف، مجرمیت متقابل، عالم بودن به قانون و رعایت تعهدات بین‌المللی از این شروط است (ضیایی و حکیمی‌ها، ۱۳۹۵: ۹۷).

با توجه به اهمیت و جایگاه مؤثر صلاحیت جهانی در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جرائم بین‌المللی و با عنایت به آثار جدی فعال‌سازی این سلاح علیه رژیم صهیونیستی در کشورهای اروپایی به دلیل تعاملات و مراودات این رژیم با این کشورها، فلسطینیان دوتابعیتی ساکن در کشورهایی مانند بلژیک و اسپانیا که در قوانین داخلی خود، اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته‌اند، می‌توانند با در دست داشتن مستندات جنایات این رژیم اشغالگر، علیه مرتکبان این جنایات در دادگاه‌های داخلی این کشورها اقامه دعوی کیفری کنند.

۳-۱- تشکیل دادگاه صالح ملی در ایران برای محاکمه و مجازات جنایت‌کاران صهیونیست در غزه

در حقوق کیفری بین‌الملل، مسئولیت کیفری فردی است و اشخاص حقوقی، نهادها و سازمان‌ها قابل محاکمه کیفری نیستند. تنها افراد هستند که در مقام مباشر یا آمر یا معاون می‌توانند تحت تعقیب و محاکمه کیفری و مجازات قرار گیرند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست، نمی‌تواند در این دیوان علیه جنایت‌کاران رژیم صهیونیستی اقامه دعوی کیفری کند، اما کشورها با شرایطی که در زیر خواهد آمد، می‌توانند در قوانین داخلی خود با پذیرفتن اصل صلاحیت جهانی، دادگاه‌های کیفری ملی ایجاد کنند.

۳-۱-۱- صلاحیت دادگاه

نخستین بحثی که درباره دادگاه‌های ملی و بین‌المللی حائز اهمیت است، بحث صلاحیت شکلی و ماهوی است. ماده ۱۱ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت^۱ مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۹، دادستان کل کشور را مکلف کرده است که با همکاری وزارت

۱- دادستان کل کشور با همکاری وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی ریاست‌جمهوری، مکلف است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مراجع و نهادهای داخلی، خارجی و بین‌المللی، نسبت به حمایت از مردم فلسطین و سایر قربانیان، نسبت به طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران جنایت‌کار رژیم اشغالگر صهیونیستی به

امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری، نسبت به طرح شکایت، محاکمه و اجرای احکام مجازات سران رژیم اشغالگر صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین های اشغالی، در محاکم ذی صلاح داخلی و خارجی و دادگاه ها و دیوان بین المللی اقدام کند.

ماده ۳ قانون الزام دولت به حمایت همه جانبه از مردم مظلوم فلسطین^۱ مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۱، دولت را موظف کرده است که از طریق مجامع بین المللی، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دیوان کیفری بین المللی و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایت کاران علیه بشریت و عاملان نسل کشی پیگیری کند.

طبق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می شود. اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود.

طبق این قوانین، اصل صلاحیت جهانی در قوانین داخلی ایران پذیرفته شده است، اما در ماده ۹، صلاحیت جهانی به صورت مضیق است. بدین معنا که تنها در صورت یافت شدن مرتکب جرائم در ایران یا اعاده به ایران، محاکمه اشخاص مرتکب جرم در صلاحیت جهانی است. از این رو این مسئله باید به گونه ای در قوانین داخلی ایران اشاره شود که در صورت یافت شدن مرتکب جرم در ایران (یا تقاضای تحویل متهم از کشور دیگر به ایران جهت محاکمه یا به طرق دیگر) محاکمه صورت خواهد گرفت.

همچنین، به موجب اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، همه جرائم بین المللی پذیرفته شده

دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین های اشغالی، در محاکم ذی صلاح داخلی و خارجی و دادگاه ها و دیوان بین المللی اقدام کند.

دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، از جمله وزارتخانه های امور خارجه، دادگستری و اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و پاسداران انقلاب اسلامی مکلف اند به منظور آماده سازی شکایت با دستگاه های ذی صلاح همکاری های لازم را معمول دارند.

۱- ماده ۳- براساس قواعد حقوق بین الملل، جنایات انجام شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین المللی (ICC) و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایت کار علیه بشریت و عامل نسل کشی پیگیری کند.

توسط ایران برای رسیدگی در محاکم داخلی و مجازات‌های هریک به تفکیک، باید در قوانین مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان برسد. همچنین، بحث رسیدگی غیابی و نوع و ماهیت دادگاه صالح برای رسیدگی به این جرائم نیز باید در قانون مورد تصویب قرار گیرد.

۲-۱-۳- صلاحیت از حیث زمان

به موجب اصل عطف بماسبق نشدن قوانین، دادگاه‌های کیفری تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارند که بعد از تصویب قانون و تشکیل دادگاه ارتکاب یافته باشند یا اینکه از جرائم مستمر باشند که تا بعد از تشکیل دادگاه نیز ادامه یافته باشند، اما از آنجا که جرائم بین‌المللی در اساسنامه رم^۱ (۱۹۹۸) دیوان کیفری بین‌المللی و اصلاحات پس از آن تعریف و جرم‌انگاری شده‌اند، در موارد تشکیل دادگاه‌های اختصاصی یا ملی یا منطقه‌ای این اصل مانع از صلاحیت این دادگاه‌ها نخواهد شد.

۲-۳- بحث صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی و عدم محاکمه مجدد متهمان تحت تعقیب دادگاه‌های ملی در این دیوان

طبق بند ۱۰ مقدمه و ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است و به موجب ماده ۱۷ اساسنامه، دیوان تصمیم می‌گیرد که در موارد زیر، موضوعی توسط دیوان غیرقابل رسیدگی است.

الف- آن موضوع توسط دولتی که بر آن صلاحیت دارد، در دست تحقیق یا تعقیب است مگر اینکه آن دولت حقیقتاً مایل یا قادر به اجرای تحقیق یا تعقیب نباشد.

ب- در مورد آن موضوع توسط دولتی که بر آن صلاحیت دارد، تحقیق به عمل آمده و آن دولت تصمیم گرفته است که شخص مورد نظر را تحت پیگرد قرار ندهد مگر اینکه آن تصمیم ناشی از عدم تمایل یا عدم توانایی آن دولت بر پیگرد باشد.

پ- شخص مورد نظر پیش‌تر به خاطر رفتاری که موضوع شکایت است، محاکمه شده است و محاکمه توسط دیوان به موجب بند ۳ ماده ۲۰ (اعتبار امر محکوم‌به) مجاز نیست....

از این رو تشکیل دادگاه کیفری ملی در ایران برای محاکمه و مجازات جنایت‌کاران رژیم صهیونیستی و تعقیب یا تحقیق درباره متهمان می‌تواند مانع از رسیدگی دادستان دیوان کیفری بین‌المللی شود. در صورتی که دادستان دیوان کیفری بین‌المللی نیز تحقیقات را شروع کند، متهم می‌تواند به استناد تحت تحقیق یا تعقیب بودن در دادگاه‌های داخلی، صلاحیت دیوان را برای

رسیدگی زیر سؤال ببرد یا دادستان دیوان کیفری بین‌المللی موضوع ارجاع شده برای رسیدگی را به همین علت رد کند.

نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی با نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین در طول ۷۵ سال و به‌ویژه پس از ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳، مرتکب نسل‌کشی گسترده و جنایات متعدد علیه بشریت و جنایات جنگی شده است. برای مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان این جنایات لازم است مطابق حقوق بین‌الملل از سازوکارهای موجود برای محاکمه این اعمال ناقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و حقوق بشردوستانه استفاده شود و در صورت ناکارآمدی این سازوکارها، تشکیلات جدیدی وضع و تصویب شود. نتایج و پیشنهادات پژوهش حاضر به صورت فهرست‌وار بدین شرح هستند.

- در راستای تکمیل و نیز تعدیل اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی و به‌خصوص با توجه به اینکه صلاحیت دیوان عام است و شامل ارزیابی رفتارهای فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها خواهد بود، پیشنهاد می‌شود دادگاه مشترکی با نام پیشنهادی «دادگاه ویژه کیفری عدل اسلامی فلسطین» از سوی کشورهای اسلامی و عربی با محوریت جمهوری اسلامی ایران و با هزینه دولت‌های عضو با صلاحیت انحصاری نسبت به جرائم بین‌المللی (نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی) مقامات و نیروهای وابسته به رژیم صهیونیستی (با خروج اتهامات ناظر به طرف فلسطینی از صلاحیت آن) بر مبنای اصل صلاحیت جهانی تشکیل شود. در ابتدا باید کمیسیون تحقیق مشترکی به منظور مستندسازی جرائم (معاینه محلی، ثبت اظهارات شهود و شناسایی قربانیان) ایجاد و سپس بر اساس یافته‌ها و توصیه‌های کمیسیون، اقدام به تأسیس دادگاه مشترک شود که امکان محاکمه غیابی و صدور جلب متهمان را نیز داشته باشد. همچنین، از ظرفیت همکاری‌های بین‌الدولی در امور کیفری و ظرفیت‌های سازمان ملل متحد برای اجرای قرار و احکام این دادگاه استفاده شود.
- با توجه به اینکه دولت‌ها و نهادهای غیردولتی طبق آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی می‌توانند مستندات و اطلاعات خود را در اختیار دادستانی دیوان قرار دهند و به فرایند تحقیقات و تعقیب مرتکبان جنایات بین‌المللی یاری رسانند، در راستای تقویت اقدام حقوقی علیه رژیم صهیونیستی و تسهیل تحت تعقیب قرار گرفتن سران این رژیم که تکلیف قانونی و مطالبه رهبر معظم انقلاب نیز هست، لازم است که دولت یا سازمان‌های مردم‌نهاد (غیردولتی)

یا هر فرد مطلع، مستندات جنایات رژیم صهیونیستی در غزه را در اختیار دادستان دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهد.

- پیشنهاد می‌شود دولت ایران به‌عنوان دولت امضاکننده و حامی دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با قضیه فلسطین، به‌صورت رسمی و علنی به دادستانی دیوان اعلام دارد که آمادگی کمک مالی به دیوان برای تسریع در تحقیقات مربوط به قضیه فلسطین را دارد. همچنین، دولت ایران می‌تواند پیشنهاد اقدام مشابه را به دیگر کشورهای اسلامی و هم‌پیمان بدهد و زمینه‌ساز راه‌اندازی پویایی در این باره شود.

- با توجه به اهمیت و جایگاه مؤثر صلاحیت جهانی در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جرائم بین‌المللی و با عنایت به آثار جدی فعال‌سازی این سلاح علیه رژیم صهیونیستی در کشورها، لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران در قوانین داخلی خود با جرم‌انگاری شدیدترین جرائم بین‌المللی و در نظر گرفتن مجازات متناسب برای آن‌ها و معرفی دادگاه صالح برای رسیدگی، مرتکبان جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی گسترده در غزه را محاکمه و مجازات کند.

- با عنایت به طولانی بودن روند تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی و با توجه به جنایات گسترده‌ای که در غزه در حال وقوع است و هزاران نفر در معرض نسل‌کشی گسترده و کوچ اجباری قرار دارند، پیشنهاد می‌شود تا در روند اصلاح و تصویب لایحه تشکیل دادگاه کیفری برای جنایت‌کاران صهیونیست در غزه، با کشورهایی که در قوانین داخلی خود صلاحیت جهانی را پذیرفته‌اند و دادگاه‌های کیفری داخلی صالح به رسیدگی به این جنایات بین‌المللی را دارند، رایزنی و معاضدت صورت گیرد تا جنایت‌کاران سریع‌تر از طریق این کشورها و با کمک و همکاری مادی و معنوی و تخصصی کشورمان، تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند و با صدور قرار بازداشت^۱ برای این جانیان، هیچ مکانی برای آنان امن نباشد.

- تهیه مجموعه شواهد و مستندات و فعال کردن شبکه سمن‌ها برای درخواست از دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به موضوع مطابق با بند ۲ ماده ۱۵ اساسنامه رم و گفت‌وگو با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برای اعمال فشار بر دادستان دیوان.

- تشکیل و تأسیس دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جنایات رژیم اسرائیل به‌صورت منطقه‌ای با مشارکت دیگر دول همسو (اعم از اسلامی و غیراسلامی) یا سازمان همکاری اسلامی.

- مشارکت دولت جمهوری اسلامی ایران در اخذ نظر مشورتی ۲۰۲۲ وضعیت سرزمین‌های اشغالی در دیوان بین‌المللی دادگستری.
- طرح دعوای ترافی در دیوان بین‌المللی دادگستری مبتنی بر نقض کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) به وسیله اسرائیل از سوی برخی کشورهای عضو این کنوانسیون (مذاکره با دیگر کشورهای همسو برای طرح دعوای ترافی مبتنی بر تفسیر ماده ۹ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی به‌ویژه با تمرکز بر نقض مفاد این کنوانسیون از سوی اسرائیل)؛ با توجه به اینکه دولت آفریقای جنوبی درباره نقض کنوانسیون یادشده از سوی رژیم صهیونیستی علیه آن در دیوان فوق طرح دعوی کرده است، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دیگر کشورهای عضو این کنوانسیون را ترغیب به ورود به دعوی و از دولت آفریقای جنوبی در این دعوی در دیوان یادشده حمایت کند.

کتابنامه

- امیری، صالح؛ سعیدی شاهسواری، مریم؛ غلامرضایی آزاد، هدیه؛ قربانزاده، محمد (بهار ۱۳۹۹). تعقیب نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتبط با شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطین در دیوان بین‌المللی کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال ۱۰، شماره ۳۸.
- توحیدی، احمدرضا (۱۴۰۲/۷/۲۳). ضرورت موضع‌گیری نهادهای بین‌المللی در موضوع فلسطین/رژیم صهیونیستی ناقض آرای دیوان دادگستری، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۲/۷/۲۳، قابل دسترس در:
- ضیایی، سید یاسر؛ حکیمی‌ها، سعید (۱۳۹۵). شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۸، شماره ۵۳.
- لومباردینی، مایکل (۱۳۸۲۹). دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی؛ گامی به سوی یک نظام حقوقی بین‌المللی اسلامی، ترجمه محمود جلالی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۹.

Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel) (2024).
Bosco, David (2016). *Palestine in the Hague: Justice, Geopolitics and International Criminal Court*, Global Governance 22 .
Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (1948).
Maguire, Emmy, Thompson, Katie (2017). *Palestine, self-determination and international justice: looking back to the ICJ and looking forward to the*

ICC, Griffith Law Review, Volume 26, Issue 4.
Geneva Convention (1949).
Judicial mechanisms for prosecuting and filing lawsuits against the Zionist regime (a case study of crimes committed in the Gaza conflict after October 7) (2023).
Rome Statute (1998).